

# ارتداد چیست و چگونه می توانم آن را شناسایی کرد؟

ارتداد از ریشه یونانی «اپاستاسیا» به معنای سرپیچی از یک سیستم و یا حاکمیت؛ نقض و یا ترک ایمان می آید. واژه ارتداد در قرن اول میلادی برای خیانت و شورش سیاسی به کار می رفت. درست مانند قرن اول میلادی، ارتداد روحانی کلیسای امروزی را تهدید می کند.

کتاب مقدس درباره افرادی مانند آریوس (۲۵۰-۲۳۶ میلادی) هشدار می دهد. او کشیشی از اسکندریه مصر بود که در اوایل قرن چهارم در انطاکیه آموزش دیده بود. حدود سال ۳۱۸ میلادی، آریوس، اسکندر اول اسقف اعظم اسکندریه را متهم به حمایت از نظریه سابلانیسم کرد. این نظریه غلط بر این باور بود که پدر، پسر و روح القدس تنها اشکال و حالت های مختلف خداوند در زمان های متفاوت هستند. آریوس بر روی یگانه بودن خدا تاکید بسیار داشت اما در تعریف ذات خداوند زیاده روی می کرد. آریوس تثلیث را قبول نداشت، او برای عیسی مسیح مقام اولوهیت قائل نبود و او را در جایگاهی پایین تر از خدا می دانست.

استدلال آریوس این بود که عیسی مسیح دارای ذات و طبیعت الهی نبود بلکه ذات او فقط چیزی شبیه ذات الهی بود (به دوکلمه هوموسیوس به معنی دارای یک ذات مانند او و هوموسیوس به معنی شبیه ذات او که در اینجا تنها یک آوا معنی کلمه را زیرکانه تغییر می دهد). او جایگاه عیسی مسیح را به این شکل تعریف می کند: «پدر قبل از پسر وجود داشت. در یک مقطع زمانی او (پسر) وجود نداشت. بنابراین، پسر توسط پدر خلق شد. پس اگرچه پسر بالاترین مقام در بین مخلوقات را دارد اما ذات الهی ندارد.

آریوس فردی باهوشی بود و تمام تلاش خود را کرد تا مردم را به طرف خود بکشاند، حتی سرودهایی نیز نوشت که بوسیله آنها عقاید خود را آموزش می داد. شخصیت جذاب، پارسایی و جایگاه محترم او به عنوان مبلغ نیز به هدف او کمک می کرد.

دانستن این دو نکته درباره ارتداد برای همه مسیحیان اهمیت بسیار زیادی دارد: (۱) ارتداد و معلمان مرتد را چگونه شناسایی کنند و (۲) چرا آموزش های ارتدادی بسیار مهلک هستند.

## اشکال مختلف ارتداد

مسیحیان برای شناسایی و مبارزه کامل با ارتداد باید اشکال و خصوصیات مختلف آن را بشناسند. دو شکل از ارتداد وجود دارد: (۱) دور افتادن از آموزش ها و نظریه های واقعی کتاب مقدس و پیروی کردن از آموزش های ارتدادآمیز که ادعا می کنند مسیحیت واقعی هستند و (۲) ایمان مسیحی را کاملاً انکار می کنند که نتیجه این کار ترک کامل عیسی مسیح خواهد بود.

آریوس اولین شکل ارتداد را ارائه داد و آن هم انکار حقایق اساسی و کلیدی مسیحیت مانند الوهیت عیسی مسیح بود که نتیجه آن سقوط از قله ایمان و در نهایت ترک ایمان (شکل دوم ارتداد) بود. شکل دوم ارتداد همیشه از شکل اول آن آغاز می شود. یک ایمان بدعت گذارانه (ارتداد آمیز) تبدیل به یک آموزش بدعت گذارانه می شود و آنقدر رشد می کند تا همه ابعاد ایمان یک فرد را آلوده کند و نتیجه نهایی این خواهد بود که هدف شیطان به طور کامل اجرا شود و هدف او نیز چیزی به غیر از جدایی کامل یک فرد از مسیحیت نیست.

در سال ۲۰۱۰ تحقیقی توسط دنیل دنت و لیندا لسکولا به نام «مبلغان بی ایمان» انجام شد. آنها پنج مبلغ مسیحی را به ترتیب زمانی بررسی کردند که با آموزش های بدعت گذارانه آشنا شده بودند و سپس آنها را قبول کرده و در حال حاضر کاملاً از ایمان رویگردان شده اند. این کشیش ها همه خدایی (پان تئیسیت) و یا خدا ناباوران (آتئیسیت) پنهانی هستند. یکی از حقایق آزار دهنده این تحقیق این است که این افراد هنوز هم در مقام کشیشی کلیسا قرار دارند بدون اینکه اعضای آنها از وضعیت روحانی آنها مطلع باشند.

### خصوصیات ارتداد و مرتد

یهودا برادر ناتنی عیسی مسیح و رهبر کلیسای اولیه بود. در نامه خود (کتاب یهودا)، روش شناسایی ارتداد را توضیح می دهد و به مسیحیان تاکید می کند که از ایمان خود با جدیت دفاع کنند (یهودا فصل ۱ آیه ۳). با جدیت دفاع کردن به این معنی است که آنها همیشه با چالش هایی روبرو خواهند بود. به عبارت دیگر، یهودا می گوید همیشه چالش با آموزش های دروغین وجود خواهد داشت و مسیحیان باید آن را جدی بگیرند چراکه در این مبارزه، با خودشان در کشمکش و کلنچار خواهند بود. یهودا همچنین می گوید که این مبارزه فقط برای رهبران کلیسا نیست بلکه برای تک تک مسیحیان نیز وجود دارد. پس باید قوه تشخیص و بینش خود را تقویت کنیم تا بتوانیم ارتداد را در بین جمع خود شناسایی کرده و جلوی آن را بگیریم.

یهودا بعد از اینکه از مسیحیان می خواهد تا از ایمان خود بسیار جدی دفاع کنند، دلیل آن را نیز می گوید: «زیرا عده ای خدانشناس با نیرنگ وارد کلیسا شده اند و تعلیم می دهند که ما پس از مسیحی شدن، می توانیم هر چه دلمان می خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم. عاقبت هولناک این معلمان دروغین و گمراه از مدتها پیش تعیین شده است، زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح، سر به مخالفت برداشته اند» (یهودا فصل ۱ آیه ۴). یهودا در این آیه سه ویژگی ارتداد و معلمان مرتد را بیان می کند:

(۱) یهودا می گوید که ارتداد می تواند نامحسوس و زیرکانه باشد و مرتدان می توانند با نیرنگ به درون کلیسا رخنه کنند. در دیگر منابع یونانی مربوط به کتاب مقدس، عبارتی که یهودا برای توصیف اینگونه افراد استفاده کرده، وکیل مکار و حيله گری است که با ورود به بحث های هوشمندانه سعی دارد تا به ذهن مقامات دادگاه رخنه کند تا بتواند فکر آنها را تخریب کند. به عبارت دیگر، یهودا می گوید موارد بسیار کمی وجود دارند که ارتداد را بتوان به راحتی شناسایی کرد. بلکه مانند عقیده آریوس، تنها یک حرف ( اشاره به کلمات یونانی «شبيه خدا بودن» یا «مانند خدا بودن» دارد که تنها با تغییر یک حرف در یک کلمه دو معنی متفاوت از آن برداشت می شود) می تواند تفاوت بین آموزش واقعی و دروغین

باشد.

تُزُر (A. W. Tozer) در باره این شکل از ارتداد و خطرات ناشی از آن می گوید: «این روزها بسیار سخت می توان هابیل و قابیل را از هم تشخیص داد، حقیقت و ادای حقیقت را درآوردن بسیار زیاد با هم اشتباه گرفته می شوند». پولس نیز درباره رفتار و ظاهر جذاب مرتدان و آموزش های آنها می گوید: «این قبیل افراد هرگز از جانب خدا فرستاده نشده اند. ایشان فریبکارانی هستند که از سادگی شما سوءاستفاده کرده، خود را رسولان مسیح معرفی کرده اند. اما جای تعجب نیست. چون اگر شیطان می تواند خود را به صورت فرشته نور درآورد» (دوم قرن تیان فصل ۱۱ آیه های ۱۳ تا ۱۴). به عبارت دیگر، به دنبال این نباشید که بتوانید یک مرتد را از روی ظاهر بد و یا به زبان آوردن سخنان بدعت آمیز بشناسید. آنها به جای اینکه حقیقت را مستقیماً انکار کنند، آن را طوری تحریف می کنند تا به شکل عقیده خود درآید. ولی همانطور که کشیش لنکسی می گوید، «بدترین نوع پلیدی تحریف حقیقت است».

(۲) یهودا می گوید کار مرتدان به اندازه کار کسانی که از لطف خدا به عنوان مجوزی برای انجام کارهای ناشایست استفاده می کنند کفرآمیز است. یهودا هشت ویژگی ناشایست مرتدان را اینگونه توصیف می کند: خدانشناس (یهودا فصل ۱ آیه ۱۴)، گمراه (آیه ۴)، کسانی که بدن خود را آلوده می کنند (آیه ۸)، سرکش (آیه ۸)، فرشتگان را مسخره می کنند (آیه ۸)، به خدا بی توجهی می کنند (آیه ۸)، به دروغ ادعا می کنند که خواب دیده اند (آیه ۱۰)، خود را نابود می کنند (آیه ۱۰)، غرغرو هستند (آیه ۱۶)، ایرادگیر و عیبجو هستند (آیه ۱۶)، خودخواه هستند (آیه ۱۶)، خودنما و چاپلوس هستند (آیه ۱۶)، خدا را مسخره می کنند (آیه ۱۸)، تفرقه ایجاد می کنند (آیه ۱۹)، دنیوی هستند (آیه ۱۹)، و در آخر اینکه روح القدس در آنها ساکن نیست (آیه ۱۹).

(۳) یهودا می گوید، «آنها عیسی مسیح را انکار می کنند». چگونه یک مرتد این کار را انجام می دهند؟ پولس در تیطوس فصل ۱ آیه های ۱۵ تا ۱۶ به ما پاسخ می دهد، «کسی که دلش پاک است، همه چیز را پاک و خوب می بیند؛ اما کسی که دلی سیاه دارد و بی ایمان است، همه چیز را ناپاک و بد می بیند، چون همه چیز را از دریچه افکار ناپاک و وجدان آلوده خود می بیند. این گونه انسانها ادعا می کنند که خدا را می شناسند، اما اعمالشان ثابت می کند که دروغ می گویند؛ ایشان چنان سرکش و منحرف هستند که قادر به انجام هیچ کار خوبی نمی باشند». مرتدان با رفتارهای ناشایست درون واقعی خود را به ما نشان می دهند. یک ایماندار واقعی، بر خلاف یک مرتد، کسی است که از گناه نجات یافته و در عیسی مسیح پاک و بی گناه شده و دیگر تمایلی به ادامه گناه ندارد (رومیان فصل ۶ آیه های ۱ تا ۲).

در نهایت سرنوشت یک مرتد جدایی کامل از خدا و حقیقت است. یوحنا این حالت را ویژگی یک ایماندار دروغین می داند: «این مخالفین مسیح بین ما بودند، اما در واقع از ما نبودند، چه در غیر این صورت نزد ما می ماندند. وقتی از ما جدا شدند، معلوم شد که اصلاً از ما نبودند» (اول یوحنا فصل ۲ آیه ۱۹).

عقاید، عواقب و نتایج دارند

تمامی کتاب های عهد جدید به غیر از فلیمون هشدارهایی درباره آموزش های غلط دارند. چرا؟ برای اینکه عقاید عواقب و نتایج دارند. ثمره تفکر درست همیشه خوب است و ثمره تفکر اشتباه و کارهای

نادرست ناشی از آن نتایج ناخوشایند دارد. به عنوان مثال، کشتزارهای مرگ کامبوج در سال ۱۹۷۰ نتیجه جهان بینی نیهیلیستی (هیچ انگاری) ژان پل سارتر و آموزش های اوست. پلپوت رهبر خمرهای سرخ، به فلسفه ژان پل سارتر در مورد زندگی مردم به طرز وحشتناکی جامه عمل پوشاند. این فلسفه می گوید، «سودی در زنده ماندن و ضرری در نابود شدن تو وجود ندارد».

شیطان در باغ عدن مسلح به آدم و حوا ظاهر نشد، او با یک ایده به آنها نزدیک شد. و همان ایده بود که باعث شد تا آدم و حوا و تمامی نسل بشر محکوم شوند و تنها درمان این محکومیت نیز مرگ فداکارانه ی فرزند خدا است.

تراژدی بزرگ این است که معلمان مرتد، آگاهانه یا ناآگاهانه، شاگردان خود را به سرنوشت شومی دچار می کنند. عیسی مسیح به شاگردان خود درباره رهبران دینی آن روزگار می گوید، «با آنان کاری نداشته باشید. ایشان کورهایی هستند که عصاکش کوره های دیگر شده اند. پس هر دو در چاه خواهند افتاد» (متی فصل ۱۵ آیه ۱۴). متاسفانه فقط معلمان دروغین نیستند که به نابودی کشیده می شوند بلکه شاگردان آنها نیز چنین سرنوشتی دارند. سورن کی یرکگور فیلسوف مسیحی این مطلب را اینگونه توضیح می دهد: «در ابتدا هرگز معلوم نبود که آن نادان شکست می خورد اما وقتی دیگر شکست خورده و به بیراهه می رود چندین نفر دیگر را هم با خود به بیراهه کشانده است»

#### نتیجه گیری

در سال ۳۲۵ میلادی، شورای نخست نیقیه در پاسخ به نظر و آموزش های آریوس تشکیل شد. نتیجه این شورا تکفیر آریوس و تاکید بر اولوهیت عیسی مسیح در اعتقادنامه نیقیه بود: «ما ایمان داریم به خدای یکتا پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین، و هر آنچه پیدا و ناپیداست. و به خداوند یکتا عیسی مسیح، پسر یگانه خدا مولود ازلی پدر. او خداست از خدا، نور از نور، خدای راستین از خدای راستین که زاده شده و آفریده نشده است، هم ذات با پدر. و از طریق او همه چیز هستی یافت.»

آریوس قرنهایست که مرده است اما شاگردان معنوی او هنوز هم با ما هستند، آنها به شکل فرقه هایی مانند شاهدان یهوه، ذات واقعی عیسی مسیح را انکار می کنند. متاسفانه تا زمان بازگشت دوباره عیسی مسیح و نابودی کامل دشمن معنوی، این علف های هرز بین گندم ها هستند (متی فصل ۱۳ آیه های ۲۴ تا ۳۰). در واقع، کتاب مقدس می گوید هر چه به بازگشت مسیح نزدیک می شویم ارتداد نیز بیشتر می شود، «بسیاری از ایمان خود برخواهند گشت و یکدیگر را تسلیم کرده، از هم متنفر خواهند شد» (متی فصل ۲۴ آیه ۱۰). پولس به تسالونیکیان گفت که شورش بزرگ قبل از آمدن مسیح اتفاق خواهد افتاد (دوم تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۳) و از نشانه های آخر زمان ظهور شیادان مذهبی دروغین خواهد بود: «این را نیز باید بدانی که در زمانهای آخر، مسیحی بودن بسیار دشوار خواهد بود زیرا مردم، خودپرست، پولدوست، مغرور و متکبر خواهند بود؛ و خدا را مسخره کرده، نسبت به والدین نامطیع و ناسپاس خواهند شد و دست به هر عمل زشتی خواهند زد... به ظاهر افرادی مؤمن، اما در باطن بی ایمان خواهند بود. فریب این گونه اشخاص خوش ظاهر را نخور» (دوم تیموتائوس فصل ۳ آیه های ۱، ۲، و ۵).

امروز بیش از هر زمان دیگری مهم است که ایمانداران دعا کنند تا خدا به آنها قدرت تشخیص بدهد، با ارتدا مبارزه کنند و برای آن ایمان و حقیقتی که خدا به ایمانداران خود اعطا کرد بجنگند.